

روى موج کوتاه

کوکچى نژاد:

اگر به جای ۴ وزیر استیضاح ۸ وزیر هم به صحن بیایند، همه رأی می آورد

یک نماینده مجلس گفت: امروز فضای عمومی مجلس به گونه‌ای است که اگر به جای ۴ وزیر حتی استیضاح ۸ وزیر هم به صحن مجلس بیایند، به احتمال زیاد همه این استیضاح‌ها رأی خواهد آورد. به گزارش دیده‌بان ایران، جبار کوچکی نژاد درباره قوت گرفتن استیضاح چهار وزیر دولت مسعود پزشکیان گفت: وزرای نیرو، کار، جهاد کشاورزی و راه و شهرسازی در فهرست استیضاح قرار دارند.البته همه‌این استیضاح‌ها از یک سطح شدت برخوردار نیستند. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس درباره تأثیر استیضاح‌ها بر وفای دولت و مجلس گفت: نمایندگان زمان استیضاح وزیر کمک به دولت و مردم را با هم در نظر می گیرند. بالاخره وزرا باید در مقابل مردم پاسخگو باشند و یکی از راه‌های پاسخگویی همین استیضاح است.

■ ■ ■

رهبران تروئیکای اروپایی:

برای مذاکرات هسته‌ای با ایران و آمریکا مصمم هستیم

رهبران بریتانیا، فرانسه و آلمان با صدور بیانیه‌ای مشترک خواهان از سرگیری مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا شدند.واژ کشور‌های عضو سازمان ملل خواستنداز تحریم‌هایعلیه ایران پیروی کنند. در این بیانیه آمده‌است: «ما برای از سرگیری مذاکرات با ایران و آمریکا برای دستیابی به توافقی جامع، پایدار و قابل‌راستی آزمایی مصمم هستیم.» آنها در این بیانیه تأکید کرده‌اند که این توافق باید تضمین کند که «ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست نیابد.» این بیانیه بار دیگر از اقدام سه کشور عضو توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران برای فعال کردن «مکانیسم ماشه» دفاع می‌کند.

■ ■ ■

نایب رئیس مجلس خبرگان:

در مقابل جایزه نوبل، جایزه نصرالله سازیم
نایب رئیس مجلس خبر، گان گفت که جایزه نوبل صلح از «آرمان اصلی» منحرف شده و پیشنهاد داد که جایزه جهانی «نصرالله» ایجاد شود. عباس کعبی، افزود: ما را یکورینا ماجادو «طرقدار» اسرائیل و مخالف دولت مسادورو در ونزوئلا جایزه نوبل صلح را گرفت که «ثبتیت پروژه براندازی» بود.وی اشاره کرد جایزه «نصرالله» که پیشنهاد آن را داده «جایزه الهی» است و «خداوند» آن به پندگاران مومن اعطای می‌کند. کعبی درمورد دیگر مزایای جایزه پیشنهادی خود، گفت: جایزه نصرالله، صدای مظلومان را بلندتر می‌سازد و روایت مقاومت را جهانی می‌کند. بر خلاف جایزه صلح نوبل که سکوت در برابر جنایت را تجلیل می‌کند، این جایزه به کسانی تعلق می‌گیرد که حقیقت را فریاد می‌زنند.اشغال را فشاو کرامت‌النسان را در برابر تحقیر نظام‌مسلطه حفظ می‌کنند. این جایزه، رسانه‌ای برای بیداری و بازسازی وجدان جهانی است.

■ ■ ■

شکایت زنگنه از قانبی

سخنگوی هیات نظارت بر رفتار نمایندگان از شکایت وزیر اسبق نفت از نماینده تهران خبر داد و گفت که هیات نظارت بر رفتار نمایندگان اظهارات امیرحسین ثابتی را در چارچوب وظایف نمایندگی تشخیص داد. به گزارش ايسنا؛ فرشاد ابراهیم‌پور توضیح داد: بیژن زنگنه وزیر اسبق نفت از امیرحسین ثابتی نماینده تهران به دلیل اظهاراتشان در صحن علنی مجلس با عناوین افترا، توهین و نشر اکاذیب به دادسرا شکایت کرده بود که دادسرا پرونده را به هیات نظارت بر رفتار نمایندگان ارجاع داد.

■ ■ ■

سلیمی، خبر داد:

طرح سه فوریتی مجلس برای جلوگیری از تودیع اسناد CFT
نماینده تهران از تهیه طرحی سه فوریتی برای جلوگیری از «تودیع اسناد CFT» در مجلس خبر داد. به گزارش فارس، «علیرضاسلیمی» اظهارداشت: «این طرح اخیراً بافضای جمعی از نمایندگان در حال پیگیری است و به‌ویژه «شرطی بودن» آن، جای پرسش وبحث جدی دارد.»

■ ■ ■

پیشنهاد دبيلمات سابق:

ظریف به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور در مذاکره با آمریکا انتخاب شود
سفير سابق ايران در انگليس، پیشنهاد کرد: در این مقطع زمانی، یک فرد توانمند مثل آقای ظریف به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور تعیین شود. مانند آقای ویتکاف که نماینده رئیس جمهور آمریکاست، آقای ظریف هم می‌تواند باالن رهبری و هماهنگی انتخاب شود تا تدریجاً توانمند کاری انجام دهند. سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با ایلنا، گفت: او باید به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور تعیین شود؛ به‌میلان مذاکره برود. این حرف به معنای تضعیف وزارت خارجه نیست. آقای ربهیو در آمریکا دخالتی در مذاکرات ندارد. در اینجا هم آقای رچلی می‌تواند به دیپلماسی عمومی و توجه به کشور‌های دیگر و بسیاری از کار‌های که بلا اقدام ماندن‌ها پیرداد.

■ ■ ■

ترامپ:

به خودم افتخار می‌کنم که ایران هم از توافق با حماس حمایت کرده است
رئیس جمهور آمریکا طرح ادعایی گفت: به خودم افتخار می‌کنم که ایران هم از توافق با حماس حمایت کرده است. دونالد ترامپ گفت: اعضای حماس خیلی سرسخت و مذاکره کننده‌های خوبی هستند. این صلح درباره خاورمیانه است و افتخار می‌کنم که ایران و روسیه نیز از توافق با حماس حمایت کردند. او افزود: دوشنبه برای توافق به مصر می‌روم و رهبران بزرگی از جهان نیز حضور خواهند داشت تا این توافق امضا شود.

■ ■ ■

سفیر ایران در بیروت:

دولت لبنان کمک‌های ایران را نپذیرفت
سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، اعلام کرد که مردم ایران کمک‌هایی به ارزش ۶۰ میلیون دلار برای حمایت از لبنان ارائه کردند، اما دولت لبنان از پذیرش این کمک‌ها خودداری کرد. وبگاه‌العهدیه نقل از مجتبی‌امانی نوشت که مقامات لبنانی دلیل این امتناع از پذیرش کمک‌ها این بود که کمک‌ها مشمول تحریم‌های بین‌المللی عنوان کرده‌اند. وی با انتقاد از این موضع‌گیری، تأکید کرد این در حالی است که ایالات متحده با گذشت سه سال، هنوز به وعده‌های خود در زمینه ارائه کمک به لبنان عمل نکرده است. وی افزود: «هر شرایطی که لبنان با باجران‌های اقتصادی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند، این کمک‌ها می‌توانست بخشی از مشکلات مردم را حل کند.»

دستگاه‌های ناظر درباره حساب‌های مالزی بابک زنجانی «تماشاگرِ تناقض‌گویی» ها نباشند

آدرس گمشدهٔ دلارهای بی‌نشان



نهال فرخی

باید تأکید کنیم که هیچ سند و مدرک اثبات‌شده‌ای دال بر وجود این اموال وجود ندارد.

این سخنان همراه‌شد با باز نشر یک توییت خیلی قدیمی (مربوط به ۱۱ سال پیش) از سخنگوی وقت قوه قضاییه که حلالاً رخت ریاست قوه را بر تن دارد، اما هم‌زمان، بر مکرر رسانه‌ای قوه قضاییه یادآور شد

که سخنگوی وقت قوه در سال ۱۳۹۲ فقط گزارش یک هیأت رسمی رابازتاب داده بود؛ هیاتی متشکل از نمایندگان بانک مرکزی، شرکت ملی نفت، وزارت اطلاعات، دادستانی کل و وزارت خارجه که در ساختمان بانک مرکزی مالزی استعلام کرده و پاسخ شنیده بودند: «چنین پولی در آن حساب وجود ندارد.»

در این میان‌ه، یک نکته ظاهرأ ساده، اما تعیین کننده از یاد نمی‌رود؛ اگر امروز واقعاً ر داشت پولی رخ داده باشد، باید رد پای آن در سامانه‌های حقوقی و مالی بین‌المللی و در صورت‌های مالی شرکت ملی نفت و خزانه کشور دیده شود.

نبودن سند قابل انتشار، به‌ویژه در پرونده‌ای که سال‌هاست روندی سیاسی دارد، خود به تنهایی تبدیل به خبر می‌شود؛ خبری که اعتماد عمومی را فرسوده می‌کند.

استعلام رسمی و سوب‌ر داشت‌های تازه

اما امروز برای درک روندی که اکنون در جریان است، بازخوانی سفر رسمی در سال ۱۳۹۲ نیز ضروری است. در آن سال هیاتی فراقوه‌ای راهی کوآلالمپور شد. هدف روشن بود، رفتند از حقیقت موجودی حساب‌های ادعایی پرده بردارند. در

در وضعیت فعلی پرونده بابک زنجانی، چهار روایت موازی کنار هم ایستاده‌اند: روایت دولت که می‌گوید «سند اثبات‌شده‌ای درباره‌ی اموال مالزی وجود ندارد»؛ روایت قوه قضائیه که می‌گوید «قاضی اجرای احکام استعلام کرده و پاسخی نر سیده»؛ روایت مجلس که صریحاً از «اختلاف عدد» میان بانک مرکزی و قوه قضائیه پرده برمی‌دارد و روایت پلیس، که «حمایت» را مشروط به «چارچوب» می‌داند

اختلاف روایی و عددی میان دو نهاد حاکمیتی است. وقتی نماینده مجلس که ابزارهای نظارتی را اختیار دارد، در صحن علنی چنین شکافی را ابیسان می‌کند، طبیعی است که پرسش‌ها از راهروهای بهارستان فراتر بروند و به کف جامعه برسند که اگر حتی در سطح مسئولان کشور عددها یکی نیستند، مردم از کدام عدد تبعیت کنند؟

«حمایت مشروط» پلیس و بازگشت بی‌قاعده به اقتصاد

هم‌زمان با جنجال‌های رسانه‌ای، صدای پلیس امنیت اقتصادی نیز شنیده شد و روز گذشته سردار حسین رحیمی در قامت رئیس این پلیس تخصصی با اشاره مستقیم به بابک زنجانی و مشاورانش گفت: «هر فردی که در چارچوب ضوابط و مقررات جاری کشور فعالیت اقتصادی انجام دهد، قطعاً مورد حمایت پلیس خواهد بود.» و البته بلافاصله قید گذاشت که «اگر ذره‌ای عدول کنند، پلیس به‌عنوان متولسی نظم و امنیت اقتصادی با آنان برخورد خواهد کرد.»

از دل همین دو جمله، پرسش مهمی بیرون می‌زند: چارچوب بازگشت یک محکوم مشهور به عرصه اقتصادی دقیقاً چیست؟ سقف معاملات، نوع تضامین، مسیر گزارش دهی و ضمانت اجرا کجاست؟ جامعه حق دارد بداند «حمایت مشروط» چگونه به زبان حقوقی تر ترجمه می‌شود؛ و گر نه هر گام اقتصادی فردی با این پرونده، تبدیل به نقطه اصابت افکار عمومی خواهد شد.

مسأله در مورد بابک زنجانی اما فقط بر سر حساب‌های مالزی نیست. محمد معتمدی زاده، سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ نیز در هفته گذشته به صراحت از ضرورت شفاف‌سازی درباره‌ی قراردادهای «هلدینگ دات‌وان» که منتسب به بابک زنجانی است) با وزارت خزانه‌های نفت و راه سخن گفت و تصریح کرد: «مردمی توانند هضم کنند که کسی تا دیروز به‌خاطر اتهامات سنگین اقتصادی محکوم بوده و امروز قراردادهای بزرگ اقتصادی دارد.» این مطالبه شفافیت، وقتی کنار اختلاف عددی بانک مرکزی و قوه قضائیه قرار می‌گیرد، به مطالبه‌ای فراتر از «یک پرونده» تبدیل می‌شود؛ مطالبه سازوکار.

جامعه می‌رسد «قاعده چیست؟» و اگر پاسخی ساختاری در یافت نکند، هر بار با اسم و پرونده‌ای دیگر همین چرخه تکرار خواهد شد.

پرسش این جاست که چرا پرونده بابک زنجانی تا این اندازه پیچیده شده است؟ پاسخ کوتاه شاید این باشد که سه میدان ممنوعه بر هم منطبق شده‌اند؛ جغرافیای مالی برون مرزی، حقوق بین‌الملل تحریم زده و سیاست داخلی قطعی. در جغرافیای مالی، هر نقل و انتقالی در کشوری ثالث، به‌ویژه وقتی مالکیت بانک و حساب موضوع نزاع است، در حقوق بین‌الملل، ادعای «توقیف» اگر پشتوانه‌ی رأی داوری یا حکم دادگاه نداشته باشد، بیشتر رجز رسانه‌ای است تا حقیقت حقوقی؛ و در سیاست داخلی، نام «زنجانی»، خوانه‌خواه یک نشانه برای قطعی شدن فشار است.

در چنین موقعیتی همان قدر که عده‌ای با هر خبر تازه از او، دولت‌ها و وزرا را متهم می‌کنند، همان قدر نیز طرف مقابل با اشاره به سخنان سال‌های دور وزیر نفت پیشین، ادعاها را به «پول موهوم» حواله می‌دهد. در ایسن میان، حقیقت کمرنگ‌تر و اعتماد عمومی بیشتر فرسوده می‌شود.

چهار گوشه پازلی که کنار هم نمی‌نشینند

در وضعیت فعلی نیز اکنون چارچوب روایت موازی کنار هم ایستاده‌اند: روایت دولت که می‌گوید «سند اثبات‌شده‌ای درباره‌ی اموال مالزی وجود ندارد»؛ روایت قوه قضائیه که می‌گوید «قاضی اجرای احکام استعلام کرده و پاسخی نرسیده»؛ روایت مجلس که صریحاً از «اختلاف عدد» میان بانک مرکزی و قوه قضائیه پرده برمی‌دارد؛ و روایت پلیس، که «حمایت» را مشروط به «چارچوب» می‌داند.

این چهار تصویر، پازلی می‌سازند که قطعاتش یا از پیکره دیگری آمده، یا هر قطعه، کمتر است

افکار عمومی ایران، امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند یک پاسخ کوتاه و روشن درباره روند پرونده پیچیده بابک زنجانی و تسویه‌های اوست؛ پاسخی که هر چه دیر تر داده شود، هزینه‌اش نه از حساب زنجانی که از اعتماد عمومی برداشت خواهد شد

و برش مخصوص به خود دارد. نتیجه، برای مخاطب همین است که روزنه اعتماد، هر روز تنگ‌تر می‌شود.

تکالیف فوری برای شفاف سازی

اما راه برون رفت، در اصل روشن است و یکی پرهیز از کلی‌گویی است. این پرونده پیچیده نیاز به شفاف‌سازی مستند دارد. وزارت نفت، بانک مرکزی، قوه قضائیه و معاونت حقوقی ریاست جمهوری باید تا حد ممکن اسناد در چارچوب قانون را برای راستی آزمایی عمومی عرضه کنند؛ از متن قرار داده‌ها و صورت جلسات تا جدول تسویه‌ها و گزارش‌های کارشناسی.

مورد دوم، پاسخ مکتوب به استعلام قاضی است که اگر برداشت شده، چه زمانی، با کدام مجوز، از کدام حساب و به کجا؟ اگر نشده، چه مرجعی مسئول انتشار «خبر بی‌پایه» بوده است؟ و البته باز نشر رسمی گزارش سفر هیات فراقوه‌ای در سال ۱۳۹۲ لازم است تا حافظه گزینشی، راهی برای سوء تعبیر باز نگذارد.

یک کاسه کردن عددها و تعین تکلیف این که بالاخره تسویه شده یا نشده؛ اگر اختلاف بر سر شیوه تسویه است نیز باید مرجع کارشناسی و نتایج ارزیابی به‌صورت عمومی منتشر شود. در نهایت به نظر می‌رسد همین پرونده نشان می‌دهد که کشور سخت‌نیز از روند اصلاح ه قوانین بازگشت اقتصادی محکومان بزرگ است.

بازی مجلس از تماشاچی تناقض‌ها تا قاضی شفافیت

مجلس نیز در این بزنگاه باید از موضع پرسشگر به مقام «تحقیق و تفحص مؤثر» وارد شود. چنان که تشکیل یک «کمیته‌ی حقیقت‌یاب فراقوه‌ای» با ضرب‌الاجل مشخص، برای اعلام نتیجه درباره «برداشت یا عدم برداشت»، انتشار جدول تفصیلی تسویه‌بدهی و روایت بانک مرکزی و شرکت ملی نفت، ارائه متن قراردادهای منتسب به هلدینگ دات‌وان بسا وزارت خزانه‌های ذی ربط؛ احتمالاً کم‌زیرینه‌ترین راه احیای اعتماد عمومی است. اگر مجلس این نقش را برعهده نگیرد، در افکار عمومی به «تماشاگر تناقض گویی‌ها» تقلیل خواهد یافت.

مسأله واضح است مجلس و دستگاه‌های ناظر باید از جایگاه «تماشاگرِ تناقض گویی» بیرون بیایند و به «قاضی شفافیت» بدل شوند؛ چنان که قوه قضائیه باید استعلامش را به نتیجه برساند و اگر نتیجه «عدم وقوع برداشت» است، آن را با سازوکار پیگرد نشر اکاذیب همراه کند؛ دولت باید در حد امکان، قرارداده‌ها و تسویه‌ها را منتشر کند تا این بار گزار‌های بی‌سند نتوانند بر حافظه عمومی سوار شوند.

در پایان اما به نقطه آغاز بر گردیم و به یادیاوریم پرسش‌های افکار عمومی جدی است و در این میان به چشم شهروندان مسئول نه یک فرد و یک دستگاه و یک قوه که به طور جدی همه نهادها هستند.

افکار عمومی ایران، امروز بیش از هر زمان دیگر، نیازمند یک پاسخ کوتاه و روشن درباره پرونده پیچیده بابک زنجانی است؛ این که پول‌های مالزی، واقعاً وجود داشته یا خیر؟ که بالاخره کدام روایت صحیح است، پرداخت کامل بدهی یا ادعای بانک مرکزی؟ تمام پرسش‌ها نیازمند پاسخ فوری است؛ پاسخی که هر چه دیر تر داده شود، هزینه‌اش نه از حساب زنجانی که از حساب اعتماد عمومی برداشت خواهد شد.

■ ■ ■

این تغییرات در شمال و جنوب آذربایجان فرصتی استراتژیک برای این کشور فراهم کرده تا به‌عنوان پل زمینی بین غرب و شرق عمل کند. مسیر TRIPP نقش محوری در رفع گلوگاه جنوب قفقاز در مسیر بین‌المللی ترانس-خزر، با هماه «بیانه‌راه» دارد و دسترسی اروپا و آمریکای شمالی به آسیای مرکزی را فراهم می‌کند. هم‌زمان، چین نیز از TRIPP بهره می‌برد، زیرا این مسیر، حلقه‌ای حیاتی در پروژه کمربند و جاده یکن است. این همگرایی منافع، اهمیت فزاینده آذربایجان را به‌عنوان هاب اتصال اوراسیا و تجارت جهانی نشان می‌دهد.

برای بهره‌برداری از تضعیف روسیه و ایران و جلوگیری از کسب مزیت توسط چین، واشنگتن باید نگاه خود به باکو را بازنگری کند. بخش ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی ۱۹۹۲ همچنان مانعی مهم برای پیشرفت است. این قانون، که در جریان اولین منازعه قرم‌باغ وضع شد، بیشتر اشکال کمک مستقیم دولت آمریکا به باکو را ممنوع می‌کند. با توجه به توافق صلح میان آذربایجان و ارمنستان که با میانجی‌گری دولت ترامپ حاصل شد، بخش ۹۰۷ عملاً بی‌اثر است.

با این حال، این قانون هنوز به‌قوت خود باقی است و مانعی برای منافع استراتژیک، اقتصادی و دیپلماتیک ایران یک‌دار که آذربایجان نتواند تجهیزات آمریکایی خریداری کند. برخی هنوز طرفدار حفظ آن هستند، اما نکته داشتن این قانون عمدتاً به نفع روسیه، ایران و چین است که می‌خواهند هر گونه تنش در روابط آمریکا و آذربایجان را به‌برداری کنند. پکن نه تنها از صلح آذربایجان و ارمنستان در زمینه اتصال منطقه‌ای سود می‌برد، بلکه در حال حاضر جنگنده‌های JF-۱7 نسل ۴۰۵ خود را از طریق پاکستان به باکو تأمین می‌کند.

هیچ دلیلی وجود ندارد که آذربایجان نتواند تجهیزات آمریکایی خریداری کند. برای مقایسه، شرکت هواپیمایی اروپا یوکرستان تا ۲۲ فرود پروتئینگ ۷۸۷ به ارزش ۸ میلیارد دلار سفارش داده و شرکت راه‌آهن ملی قزاقستان قرارداد ۴ میلیارد دلاری با Wabtec آمریکا برای ۳۰۰ لوکوموتیواری امضا کرده است.

شرکت‌های آمریکایی در آذربایجان فرصت‌های فراوانی دارند، به‌ویژه در بخش انرژی، زیرا این کشور صادرکننده عمده نفت و گاز است. همچنین، آذربایجان می‌تواند مسیر ترانزیت نفت قزاقستان و گاز تر کمستان باشد و نفوذ انرژی روسیه را کاهش دهد، زیرا مسکو مسیرهای تأمین را در انحصار دارد.

بنابراین، ضروری است که کاخ سفید ترامپ بر شتاب TRIPP تأکید کند. موفقیت استراتژی ایران یک‌دار اوراسیا به تقویت روابط با آذربایجان بستگی دارد. اقدام فوری لازم است، زیرا پکن بیش از آمریکا در منطقه پیشتان شده است. لغو بخش ۹۰۷، گام حیاتی برای تأمین منافع استراتژیک، اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا است.



با جمهوری اسلامی مخالف بوده است، هر چند محدودیت‌های منطقه‌ای تاریخی، انگ‌گذاری آن را به‌عنوان عامل توران در مقابل تهران محدود کرده است.

پروپوزی آذربایجان در جنگ ۲۰۲۰ با ارمنستان، تعادل قدرت در جنوب قفقاز را تغییر داد و نفوذ منطقه‌ای این کشور را افزایش داد. مهم‌تر از آن، تحولات اخیر در رابطه با ایران و منازعه با اسرائیل فرصت مناسبی برای باکو ایجاد کرده تا به شریک کلیدی آمریکا در مدیریت همسایه‌ای تبدیل شود که احتمالاً سال‌ها چالش باقی خواهد ماند. با وجود تنش‌ها، حتی زمانی که آذربایجانی‌ها با ایران مخالفت داشتند، رابطه نزدیک با روسیه حفظ کردند. اما اوضاع پس از جنگ دوم قرم‌باغ تغییر کرد و نشان داد نفوذ مسکو در پیرامون جنوبی خود کاهش یافته است. جنگ اوکراین وضعیت را برای روس‌ها دشوارتر کرد و باعث شد باکو در برابر مسکو جسورتر عمل کند، به‌ویژه پس از سرنگونی یک هواپیمای تجاری آذربایجان بر فراز خاک روسیه در دسامبر گذشته که ۲۸ مسافر و خدمه را به کام مرگ فرستاد.